

مبانی سنخ‌شناسی در قرآن کریم

_____ دکتر سهراب مروتی^۱ - دکتر بهروز سپیدنامه^۲ - صدیقه کریمی^۳ _____

شکوه
سال سی و هشتم / ش ۴۵ / زمستان ۱۳۹۸

«سنخ‌شناسی» یکی از روش‌های تبیین مباحث در علوم مختلف است که از آن به طور گسترده در قرآن کریم استفاده شده است. در این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی «مبانی» و «اصولی» که قرآن کریم بر اساس آن‌ها سنخ‌ها را تعریف و از یکدیگر متمایز کرده، بررسی شده است. قرآن کریم در گونه‌سازی چهار مبنای اساسی دارد. مبنای سنخ‌شناسی فرهنگی، حاکمیت ارزش‌های توحیدی و دوری از سنت‌گرایی (تبعیت از گذشتگان) است. سنخ‌های اجتماعی، بر مبنای نظارت اجتماعی و عدم بی‌تفاوتی افراد نسبت به یکدیگر بنا شده است. همچنین مبنای سنخ‌شناسی سیاسی، «قدرت» و «هجرت» است و سنخ‌های اقتصادی، بر مبنای «انصاف در توزیع» و «اعتدال در مصرف» تبیین شده است. در سنخ‌شناسی تمایزها بیشتر آشکار می‌گردد. به همین دلیل قرآن کریم به منظور دستیابی به «شناخت» بیشتر مخاطبان، روش طبقه‌بندی و گونه‌شناسی را برگزیده است.

کلیدواژه‌ها: سنخ‌شناسی آیات، مبانی سنخ‌شناسی، سنخ‌های فرهنگی، سنخ‌های اجتماعی، سنخ‌های سیاسی، سنخ‌های اقتصادی.

sohrab _ morovati@yahoo.com

b.sepidnameh@ilam.ac.ir

sedighehkarami@gmail.com

۱. استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه ایلام.

۲. استادیار گروه اجتماعی دانشگاه ایلام.

۳. دانشجوی دکترا.

دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۲۶ - پذیرش: ۱۳۹۹/۲/۲۰، (ص ۷۸-۱۰۱).

۱. مقدمه

«سنخ‌شناسی»^۱ یا «گونه‌شناسی» از مهم‌ترین نیازهای طبیعی انسان است. در حقیقت همان طور که انسان موجودی اجتماعی است به همان سیاق، موجودی «گونه‌شناس» نیز است؛ یعنی براساس طبیعت خویش از بی‌شکلی و فراوانی‌های بی‌هویت راه به سوی طبقه‌بندی^۲، تعیین هویت و در نهایت تنظیم و تنسيق می‌گشاید (ساروخانی، ۱۳۸۳: ۲۵۰). در حقیقت طبقه‌بندی پدیده‌ها در چند سنخ یا نوع، وجه مشترک همهٔ فعالیت‌های علمی و همچنین زندگی عادی است (اوتویت و باتامور، ۱۳۹۲: ۵۶۶).

در تعریف گونه‌شناسی می‌توان گفت: گونه‌شناسی، تقسیم‌بندی و تنظیم داده‌هاست که با توجه به مشخصات آنان و برپایه معیار یا معیارهای عینی، ساده و غیرمتعدد (نظیر: سن، جنس، نژاد و...) یا ذهنی (ایدئولوژی، عقیده‌ای خاص و...) صورت می‌گیرد (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۲/۸۹۰). یک گونه مجموعه‌ای از معیارهاست که به منزلهٔ مبنایی برای مقایسه به کار می‌آید (شایان مهر، ۱۳۷۹: ۵۰۸) و زمینه‌ای مناسب برای توصیف دقیق و عمیق را فراهم می‌آورد (دورکیم، ۱۳۸۳: ۲۶).

از دیدگاه قرآن کریم اساس اجتماع، براساس سنخ‌شناسی انتظام یافته و قرآن کریم هم به صراحت از این ادعا سخن گفته است و می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا﴾ (حجرات/۱۳). خداوند برای حفظ نظم زندگی اجتماعی، مردم هر قبیله و طایفه‌ای را براساس ویژگی‌هایی آفریده است و این تفاوت‌ها سبب «شناسایی» است. اگر همه یکسان و شبیه یکدیگر بودند، هرچ و مرج عظیمی سراسر جامعه انسانی را فرامی‌گرفت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۲/۱۹۷). با توجه به این آیه به نظر می‌رسد مذکر و مؤنث بودن افراد، اولین مرتبهٔ سنخ‌شناسی در عالم هستی است و

1. Typology.
2. Classification.

نکته دیگر اینکه در این آیه فایده سنخ‌شناسی که «تعارف» و «شناخت» است، بیان گردیده است.

دانشمندان نیز به اهمیت سنخ‌شناسی توجه داشته‌اند. شهید مطهری مهم‌ترین فایده سنخ‌شناسی را «شناخت» می‌داند و بر این عقیده است که انسان تا اشیاء را دسته‌بندی نکند، نمی‌تواند آن‌ها را بشناسد. این مقوله مقوله شدن، یک کار عقلانی است (مطهری، ۱۳۷۸: ۴۰). ساروخانی هم مهم‌ترین فواید سنخ‌شناسی را «شناخت» و «برقراری نظم» می‌داند و بر این عقیده است که گونه‌ها راه اصلی به سوی شناخت‌اند و وسیله‌ای اساسی در دوری از جهل و تاریکی به شمار می‌آیند. گونه‌سازی علاوه بر اینکه موجبات ارتقای دقت و پیدایش نظم را فراهم می‌سازد، به کنجکاوی‌های انسان نیز پاسخ می‌دهد (ساروخانی، ۱۳۸۳: ۲۵۰). با توجه به مباحث یادشده به نظر می‌رسد در سنخ‌شناسی تمایزها بیشتر آشکار می‌گردد و همین موجبات شناخت بیشتر را فراهم می‌آورد.

البته قرآن کریم برای «شناخت بیشتر» انسان‌ها نسبت به یکدیگر، مبانی دیگری از سنخ‌شناسی را هم بیان کرده است و آن، تفاوت زبان‌ها و رنگ‌هاست: «وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَالْأَلْوَانِكُمْ» (روم/۲۲). در حقیقت شناسایی انسان‌ها نسبت به یکدیگر از طریق چشم و گوش حاصل می‌شود و خداوند برای تشخیص چشم، رنگ‌ها و صورت‌ها را مختلف آفریده و برای تشخیص گوش، اختلاف آوازها و آهنگ‌های صدا را ایجاد کرده است (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۹۲/۲۵).

قرآن کریم بسیاری از مباحث مورد نظر خویش را از طریق طبقه‌بندی و گونه‌شناسی بیان کرده است؛ به عنوان نمونه در آیات پایانی سوره حمد، افراد را بر مبنای «انتخاب راه» سنخ‌شناسی کرده و در مقابل صراط مستقیم، دو خط انحرافی «مغضوب علیهم» و «ضالین» را بیان کرده است.

پژوهش حاضر بر روی مصادیق و جزئیات متمرکز نمی‌شود و هدف آن شناسایی سنخ‌ها نیست، بلکه شناخت «مبانی» و اصولی است که قرآن کریم بر اساس آن‌ها سنخ‌ها را تعریف و از یکدیگر متمایز کرده است. روش کار بدین صورت است که با تأمل

در آیات قرآن کریم، ابتدا موضوعاتی که به روش سنخ‌شناسی تبیین شده است تفکیک گردیده و در مرحله بعد آیاتی که در بردارنده مبانی سنخ‌های موجود در آن مبحث است، انتخاب و تحلیل شده است. در حقیقت این پژوهش در پی پاسخ به این سؤال است که سنخ‌های موجود در قرآن کریم بر چه مبنایی تبیین شده‌اند؟

۲. پیشینه

«سنخ‌شناسی» در مطالعات علوم اجتماعی، علوم سیاسی، تاریخ اسلام و... کاربردهای بسیاری پیدا کرده است. کلاهی در مقاله «دین‌داری و جهانی شدن» به سنخ‌شناسی دین‌داری پرداخته و چهار نوع آرمانی دین‌داری به نام‌های دین‌داری روش‌مدار، دین‌داری هدف‌مدار، دین‌داری اخلاق‌مدار و دین‌داری عرف‌مدار را بر مبنای «ارتباط دین با اهداف کلی زندگی و روش‌های انتخاب شده برای رسیدن به آن اهداف» تبیین کرده است (کلاهی، ۱۳۹۰: ۷۴).

بختیاری و همکاران در مقاله «سنخ‌شناسی رفتار سیاسی مخالفان امام علی علیه السلام در دوره خلافت» بیان کرده‌اند که خلافت امام علی علیه السلام با بروز مخالفت‌های آشکار برخی افراد همراه بود که جنگ‌های جمل، صفین و نهروان از نتایج آن است. در این مقاله با بررسی گزارش‌های تاریخی، به تغییر رفتار سیاسی ۲۹۶ تن از مخالفان امام علی علیه السلام طی دوره خلافت ایشان پرداخته شده (بختیاری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱) که مبنای گونه‌شناسی «رفتار سیاسی افراد» است.

در آثار مورخان و رجالین نیز مواردی از سنخ‌شناسی مشاهده می‌شود. ابن شهر آشوب در *معالم العلماء*، شاعران شیعه را به چهار دسته مجاهرین (آشکارگویان)، مقتصدین (میانه‌روهای معتدل)، متقین (کسانی که اهل تقیه هستند و جانب احتیاط را نگه می‌دارند) و متکلفین تقسیم کرده است؛ هر چند توضیح چندانی درباره خصوصیات آن‌ها و دلیل این تقسیم‌بندی نیاورده است (ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰: ۱۴۶-۱۵۳). مبنای ابن شهر آشوب در گونه‌شناسی شاعران، «صراحت لهجه» است.

استفاده از سنخ‌شناسی در متون اسلامی و کلام ائمه اطهار علیهم‌السلام و به ویژه در نهج البلاغه هم جایگاهی ویژه دارد. امام علی علیه‌السلام در خطبه‌های بسیاری اوصاف مؤمنین، متقین، فاسقین و اهل دنیا را شرح داده‌اند؛ به عنوان نمونه در خطبه ۳۲ مردم را پس از وفات پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در «دنیاطلبی» به پنج گروه تقسیم فرموده‌اند که چهار گروه گمراه و یک گروه رستگاران‌اند. در این خطبه مبنای امام علی علیه‌السلام در گونه‌شناسی، «چرخش مکرر ایدئولوژی» است.

آخوندی هم در مقاله «سنخ‌شناسی نفاق در قرآن کریم (بررسی جامعه‌شناختی پدیده نفاق)» برای عقیده است که منافقان افرادی دو چهره و در حال آمد و شد میان ایمان و کفرند و به راحتی در جامعه قابل تشخیص نیستند. نفاق از سنخ‌های اجتماعی^۱ است و سنخ‌شناسی نفاق از جهت اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، امنیتی و دینی دارای اهمیت است (آخوندی، ۱۳۹۳: ۵۳). مبنای تشخیص رفتار منافقانه «دوگانگی و تضاد شخصیتی» است.

بنابراین گونه‌شناسی جایگاه مستحکمی در پژوهش‌های مختلف دارد و به نظر می‌رسد در قرآن کریم هم می‌تواند آغازگر یک راه جدید باشد و با استفاده از این روش می‌توان پژوهش‌های متعددی را به انجام رساند.

۳. تعریف مفاهیم تحقیق

«مبانی» جمع «مبنا» است و در لغت به معنای بنیاد، اساس، شالوده (دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۰۰۹۹/۱۳) و ساختن عمارت و بناء (راغب، ۱۴۱۲: ۱/۳۱۴) است. «سنخ»^۲ هم به معنای بیخ و بن دندان و گونه (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۳۷۸۴/۹) و اصل هر چیزی است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۳/۱۰۵؛ فراهیدی، ۱۴۰۹: ۴/۲۰۰). به نظر می‌رسد مبانی سنخ‌شناسی، دست یافتن به بنیاد و شالوده اصل و ماده هر چیزی است.

1. Social types.

2. Type.

۴. مبانی سنخ‌شناسی در قرآن کریم

به نظر می‌رسد در یک تقسیم‌بندی کلی مبانی سنخ‌شناسی در قرآن کریم شامل مبانی «شکلی» و «محتوایی» است. منظور از مبانی شکلی، مبانی زبان‌شناختی و منظور از مبانی محتوایی، مبانی وجودی است.

۴-۱. مبانی زبان‌شناختی (شکلی) گونه‌سازی قرآنی

قرآن کریم، در تبیین سنخ‌ها از «حروف» و «کلمات» متنوع و متفاوتی استفاده کرده است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

۴-۱-۱. حروف تنويع و تفصيل

ادوات تنويع و تفصيل، ادوات مورد استفاده در تقسیم‌چیزی را گویند و در قرآن کریم کاربرد گسترده‌ای از جمله در گونه‌سازی دارند. مهم‌ترین این ادوات عبارت‌اند از:

۴-۱-۱-۱. «أُو، أَمَّا، إِمَّا، مِنْ

«أُو» حرف عطف است که برای موارد بسیاری از جمله تنويع (زرکشی، ۱۴۱۰: ۴/۲۱۰)، تفصيل بعد از اجمال، تقسیم و بیان انواع (حسن، ۱۹۶۶: ۳/۶۰۶) به کار می‌رود. خداوند در قرآن کریم، پیامبر اکرم ﷺ را در برابر مخالفان دعوت به صبر کرده، می‌فرماید: ﴿فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تُطِعْ مِنْهُمْ آثِمًا أَوْ كَفُورًا﴾ (انسان/۲۴). منظور از «آثم» کسی است که مرتکب گناه می‌شود و منظور از «کفور». ناسپاس و غلوکننده در کفر است (زحیلی، ۱۴۱۱: ۲۹/۳۰۵). در این آیه دو سنخ «آثم» و «کفور» بر مبنای «عدم سازش پیامبر اکرم ﷺ با منحرفان» تبیین شده‌اند.

«أَمَّا» غالباً حرف تفصيل است (حسن، ۱۹۶۶: ۴/۴۷۰؛ انصاری، ۱۳۹۲: ۱/۸۱).

قرآن کریم وضعیت انسان را در دو حالت فزونی و محرومیت از نعمت ترسیم می‌کند و می‌فرماید: ﴿فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ﴾ (فجر/۱۵) و ﴿وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ﴾ (فجر/۱۶). در حقیقت اکرام و اهانه، در

زیادی و کمی مال نیست (میبدی، ۱۳۷۱: ۴۸۷/۱۰)، اما در این آیه دو سنخ از انسان‌ها از جمله کسانی که وسعت رزق را نشانه گرامیداشت می‌دانند و آنانی که تنگی رزق را نشانه خوارشدن می‌دانند، بیان شده است. مبنای این تقسیم‌بندی «نحوه مواجهه با ابتلاء و امتحان» است.

یکی از کاربردهای حرف «إِذَا» در تفصیل است (حسن، ۱۹۶۶: ۱۹۲/۳؛ انصاری، ۱۳۹۲ ق: ۸۶/۱) قرآن کریم در بیان نحوه استفاده انسان‌ها از اسباب هدایت می‌فرماید: ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾ (انسان/۳). انسان می‌تواند از اختیار خویش حسن استفاده نماید و شکرگزاری را انتخاب کند و یا (با سوء اختیار) نعمت‌های خدا را کفران و انکار نماید (طبرسی، بی‌تا: ۱۵۶/۲۶). در این آیه دو سنخ از افراد که شامل شکرگزار و ناسپاس است بر مبنای «اختیار در انتخاب راه» معرفی شده است.

یکی از کاربردهای حرف «مَنْ»، تبعیض است (حسن، ۱۹۶۶: ۴۲۵/۲؛ انصاری، ۱۳۹۲ ق: ۴۲۰/۱). قرآن کریم در توصیف دو گروه از مؤمنان می‌فرماید: ﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ﴾ (احزاب/۲۳). مؤمنانی که عهد و نذر خود تمام کردند و بر جهاد صبر کردند تا هنگامی که شهید شدند و مؤمنانی که منتظر شهادت‌اند (ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸: ۳۸۰/۱۵). در این آیه دو سنخ از مؤمنان بر مبنای «وفای عهد نسبت به خداوند» توصیف شده‌اند.

۴-۱-۲. اسم‌های استفاده شده در بیان و معرفی سنخ‌ها

۴-۱-۲-۱. اسم موصول

به نظر می‌رسد کارکرد اصلی اسم‌های موصول مانند «الَّذِي» و «الَّذِينَ»، در گونه‌سازی است و در قرآن کریم هم به طور گسترده‌ای از این دو اسم استفاده شده است؛ به عنوان نمونه قرآن کریم در وصف بدترین و بهترین خلایق می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ﴾ (بینه/۶) و ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ﴾ (بینه/۷). مبنای تقسیم‌بندی افراد به دو

گروه کافران و مؤمنان، «نحوه برخورد و موضع‌گیری افراد در برابر دعوت الهی» است.

۴-۱-۲-۲. اسم جمع

همچنین واژگانی که در معنای گروه و دسته و طایفه هستند در سنخ‌شناسی به طور گسترده استفاده شده‌اند؛ به عنوان نمونه بنی اسرائیل برمبنای «مراتب ایمان» به دو طایفه مؤمنان و کافران تقسیم می‌شوند: ﴿فَأَمَّنْتُ طَائِفَةَ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَفَرْتُ طَائِفَةَ﴾ (صف/۱۴) و اصحاب یمین هم برمبنای «تعلق به دوره‌های زمانی» به دو گروه تقسیم شده‌اند: ﴿ثُلَّةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ﴾ (واقعه/۳۹) و ﴿ثُلَّةٌ مِنَ الْآخِرِينَ﴾ (واقعه/۴۰).

البته دستیابی به تمام حروف و اسم‌هایی که در گونه‌سازی قرآنی از آن‌ها استفاده شده، نیازمند تأمل در همه آیات قرآن کریم است و در این پژوهش فقط تعدادی به عنوان نمونه ذکر شده است. نکته دیگر اینکه گونه‌سازی در قرآن کریم دامنه گسترده‌ای دارد و در برخی موارد ممکن است حرف یا اسم خاصی در آیه مشاهده نشود، اما آیه در بردارنده گونه‌هایی باشد.

۴-۲. سنخ‌شناسی وجودی (محتوایی) در قرآن کریم

در یک تقسیم‌بندی کلی به نظری‌رسد سنخ‌های وجودی در قرآن کریم شامل پنج دسته فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و طبیعت‌گرایانه است.

۴-۲-۱. مبانی سنخ‌شناسی فرهنگی

برای واژه فرهنگ تعاریف متعددی بیان شده است؛ از جمله «فرهنگ» در اصطلاح، مجموعه تعلیم و تربیت یک انسان یا جامعه است که در نحوه رفتار و نوع زندگی آن‌ها تجلی نموده است (رضایی اصفهانی، ۱۳۷۷: ۴۸). جامعه‌شناسان فرهنگ را جنبه‌های آموختنی جوامع بشری می‌دانند نه جنبه‌های ژنتیکی که به ارث می‌رسند. فرهنگ شامل امور نامحسوس (عقاید، اندیشه‌ها و ارزش‌ها) و ملموس و محسوس (اشیاء و نمادها) یک جامعه است (گیدنز، ۱۳۹۰: ۳۸-۳۹).

از سوی دیگر کارکرد الگوهای فرهنگی جامعه پذیر کردن افراد، از راه تعهد به ارزش هاست. همچنین هر تغییر پایدار و ماندگار در نظام اجتماعی باید در سطح الگوهای فرهنگی تحقق یابد (روشه، ۱۳۷۶: ۹)؛ زیرا محور اولیۀ تغییر و تحول، در فرهنگ جامعه ها قرار دارد (رفیع فر، ۱۳۷۵: ۵۹). به دلیل ابعاد گسترده و همچنین اهمیت زیربنایی فرهنگ، آیات فرهنگی قرآن کریم دامنه گسترده ای دارد که به نظرمی رسد آن ها را می توان بر اساس دو «مبنا» تقسیم کرد که عبارت اند از:

۴-۲-۱- ارزش

یکی از مبانی سنخ شناسی فرهنگی هر جامعه ای «ارزش های» حاکم بر آن است. قرآن کریم تبعیت مطلق اعراب از آباء و اجداد را مبنای ارزش های حاکم بر جامعه جاهلی قبل از اسلام می داند و می فرماید: ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُم اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لُكُنَّا آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئاً وَلَا يَهْتَدُونَ﴾ (بقره/۱۷۰). از شاخصه های مهم زندگی اعراب، گذشته گرایی و توجه بیش از حد به اصل و نسب و افتخار به آن بود (جعفریان، ۱۳۷۳: ۲۷). این گذشته گرایی تا آنجا بود که ایزوتسو بر این عقیده است که اصل اساسی دین اسلام مبتنی بر اراده مطلق خداوند بود، اما اصل اساسی زندگی عرب قبل از اسلام، سنت قبیله ای یا آداب و رسوم پدران و اجداد بود (ایزوتسو، ۱۳۹۴: ۸۷). در این آیه دو سنخ تبعیت از خداوند و تبعیت از آباء و اجداد مطرح شده است. مبنای سنخ شناسی در این آیه «تلاش در جهت حاکمیت ارزش های توحیدی و زدودن ارزش های جاهلی» است.

همچنین قرآن کریم با اشاره به شرایط نامساعد فرهنگی و ارزشی قبل از اسلام می فرماید: ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَاناً﴾ (آل عمران/۱۰۳). اعتصام به معنای استمساک (راغب، ۱۴۱۲: ۵۶۹) و پناه بردن به چیزی برای در امان ماندن از هلاکت است (خسروانی، ۱۳۹۰: ۴۴/۲). در حقیقت به وسیله اجتماع بردین و عدم تفرق و پراکندگی است که قوت و رشد حاصل می شود (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۱۷۴/۳). در این آیه دو سنخ

ارزشی «عداوت» و «الفت» بر مبنای عدم اعتصام به حبل خداوندی (افتراق) و اعتصام به حبل خداوندی (عدم افتراق) مطرح گردیده و از طریق سنخ‌شناسی امکان مقایسه و شناخت شرایط فرهنگی قبل از دین و بعد از دین برای مخاطب فراهم شده است. شایان ذکر است همان طور که گفته شد، فرهنگ امری «اکتسابی» است و در این آیه تغییر ارزش‌ها به طور اکتسابی و به واسطه حضور «دین» انجام گرفته است.

۴-۲-۱-۲-۲. اخلاق

یکی دیگر از مبانی سنخ‌شناسی فرهنگی هر جامعه‌ای «اخلاقیات» آنان است. قرآن کریم در بیان اهمیت اخلاق خطاب به پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: ﴿فِيمَا رَحْمَةً مِنَ اللَّهِ لَئِنْ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتُمْ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ﴾ (آل عمران/ ۱۵۹). «لین» به معنای نرمی (قرشی بنایی، ۱۴۱۲: ۲۲/۶) و «فَظٌ» به معنای خشونت در کلام است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴۵۱/۷). «غلیظ القلب» هم به کسی می‌گویند که در عمل انعطاف و محبتی نشان نمی‌دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۴۱/۳). در این آیه دو سنخ لینت و غلظت بر مبنای «مدارا با مردم» تبیین شده است.

همچنین قرآن کریم در بیان روش برخورد انصار با مهاجرین می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ تَبَوَّأُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْتُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (حشر/ ۹). این آیه مدحی کامل از انصار است (قرشی بنایی، ۱۳۷۵: ۹۶/۱۱)؛ زیرا آن‌ها فقرای مهاجرین را بر خود مقدم می‌داشتند و با اینکه خود محتاج بودند به آن‌ها ایثار می‌کردند. در حقیقت، انصار اخلاق «ایثارگرانه» را بر اخلاق «نیازمندانه» ترجیح دادند و به همین دلیل قرآن کریم آنان را می‌ستاید. سنخ‌شناسی اخلاقی انصار باعث شناخت بیشتر مخاطب از آنان می‌شود. مبنای سنخ‌شناسی در این آیه «تبیین مفهوم ایثار در جهت ارتقای اخلاق عمومی» است.

شایان ذکر است که خداوند در بیان گونه‌شناسی انفاق می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ يُنْفِقُونَ

أَمْوَالُهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ ﴿بقره/ ۲۷۴﴾. در حقیقت این آیه مدح خداوند از انفاق کنندگان در جمیع اوقات شب و روز و همه حالت‌های پنهان و آشکار است (ابن کثیر، ۱۴۱۹/۱: ۵۴۵). این آیه دو سنخ انفاق پنهانی و آشکار را بر مبنای «تأکید بر استمرار انفاق» بیان کرده است.

شایان ذکر است که مباحث «اخلاقی» در قرآن کریم بسیار گسترده است و این موارد از باب نمونه ذکر شد. در حقیقت مبنای سنخ‌شناسی در آیات اخلاقی قرآن کریم، «تحسین ارزش‌های اخلاقی و تقبیح ضد ارزش‌ها» است.

۲-۲-۴. مبانی سنخ‌شناسی اجتماعی

اجتماع، مجموعه‌ای از کنشگران است که در حوزه مکانی محدودی با یکدیگر شریک‌اند و این حوزه در حکم پایگاهی است که آن‌ها بخش اعظم فعالیت‌های روزانه خود را در محدوده آن به انجام می‌رسانند (گولد و کولب، ۱۳۸۴: ۲۸) و نظام اجتماعی، مجموعه‌نهادهایی است که کارکردشان ایجاد و حفظ همبستگی‌هایی است که یک جامعه از اعضایش توقع دارد (روشه، ۱۳۷۶: ۱۰۴). آیات اجتماعی قرآن کریم دامنه گسترده‌ای دارد که به نظر می‌رسد آن‌ها را می‌توان بر اساس دو «مبنا» تقسیم کرد که عبارت‌اند از:

۱-۲-۲-۴. اجتماع محوری

یکی از مبانی سنخ‌شناسی اجتماعی، اموری است که اجتماع انسانی بر اساس آن‌ها انتظام یافته است. قرآن کریم در بیان نحوه تکوین جامعه می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا» (حجرات/ ۱۳). کلمه «شعوب» جمع «شعب» است و به معنای قبیله بزرگی از مردم است و «قبائل» جمع «قبیله» است که جمعیتی کوچک‌تر از شعب است (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۷/۳۶۰؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۹/۸۷؛ طبرسی، بی‌تا: ۲۳/۲۲۳). بعضی هم گفته‌اند: مطلب به عکس است، و شعوب جمعیت‌های کمتر از قبائل است (طبرسی، بی‌تا: ۲۳/۲۲۳). برخی از مفسران هم بر این

عقیده‌اند که کلمه شعوب به معنای نژادهای غیر عرب از قبیل ترک و فارس و هندی و آفریقایی و کلمه قبائل به معنای تیره‌های عربی است (آلوسی، ۱۲۷۰: ۱۳/۳۱۳؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۷/۳۶۰). در این آیه جامعه انسانی به دو سنخ شعوب و قبائل بر مبنای «جمعیت و نژاد افراد» تقسیم شده است.

همچنین قرآن کریم در بیان تفاوت درجات اجتماعی انسان‌ها می‌فرماید: ﴿نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا﴾ (زخرف/۳۲). کلمه «تسخیر»، حرکت دادن و راندن قهری به سوی هدفی معین است و «سُخْرِيًّا» کسی است که قهراً به کاری واداشته می‌شود و با داشتن اراده، رام و تسخیر است (راغب، ۱۴۱۲: ۲/۱۹۶). در حقیقت به واسطه برخی از صفات از جمله فطانت، زیرکی، شجاعت، علو همت، عزم قاطع، داشتن ثروت، قوم و قبیله، درجات برخی از مردم از برخی دیگر بالا می‌رود و به واسطه آن می‌توانند پایین‌دستان خود را تسخیر کنند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۸/۱۴۷؛ شوکانی، ۱۴۱۴: ۴/۶۳۴؛ زحیلی، ۱۴۱۱: ۲۵/۱۴۵).

شایان ذکر است که تلاش برخی از مفسران در بیان این مفهوم است که «همه انسان‌ها به نوعی مسخّر یکدیگرند»؛ به عنوان نمونه، قرشی بنایی بر این عقیده است که معنای آیه این نیست که جامعه به دو قشر تسخیرکننده و تسخیرشده درآید، بلکه هر کس نسبت به آن دیگری تسخیرکننده و تسخیرشده است (قرشی بنایی، ۱۳۷۵: ۱۰/۲۷)، اما به نظر می‌رسد با توجه به عبارت ﴿رَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ﴾ و معنای لغوی واژه «سُخْرِيًّا» نمی‌توان از آیه «استخدام دو طرفه» را برداشت کرد و در این آیه افراد اجتماع به دو سنخ مجزا، یعنی افرادی با «درجات بالاتر» و افرادی با «درجات پایین‌تر» بر مبنای «پایگاه اجتماعی» تقسیم شده‌اند.

۴-۲-۲. نظارت

یکی دیگر از مبانی سنخ‌شناسی اجتماعی «نظارت» است. لقمان در یکی از نصایح خویش خطاب به فرزندش می‌فرماید: ﴿يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَامْرُءًا بِالْمَعْرُوفِ وَإِنَّ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ

أَصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ ﴿لَقمان ۱۷﴾. «امر به معروف» و «نهی از منکر» مهم‌ترین دستور اجتماعی قرآن کریم (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۵۳/۱۷) در جهت ایجاد و حفظ همبستگی اجتماعی است. در این آیه دو سنخ امر به معروف و نهی از منکر بر مبنای «نظارت اجتماعی» تبیین شده است.

در قرآن کریم آیات دیگری نیز بر مبنای نظارت اجتماعی آمده است؛ از جمله آیه ﴿تَعَاوَنُوا عَلَىٰ الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ﴾ (مائده/۲) که تعاون بر برّ و تقوا همان صلاح و تقوای اجتماعی است، و در مقابل آن، تعاون بر گناه و دشمنی، تعدّی به حقوق مردم و سلب امنیت از جان و مال و ناموس آنان است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۶۶/۵).

همچنین در آیه ﴿وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا﴾ (حجرات/۹) به صراحت به یک گروه سوم دستور می‌دهد که درگیری و خصومت پیش آمده میان دو گروه از مؤمنان را حلّ و فصل کنند؛ زیرا اسلام بر حفظ وحدت و یکپارچگی جامعه تأکید دارد (مغنیه، ۱۳۷۸: ۱۹۲/۷) و این یک دستور عملی برای نگهداری جامعه مؤمنان از دشمنی، هرج و مرج و جدایی است (قطب، ۱۴۲۵: ۳۳۴۳/۶). در اهمیت اصلاح ذات‌البین همین بس که پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَفْضَلِ مِنْ دَرَجَةِ الصِّيَامِ وَ الصَّدَقَةِ وَ الصَّلَاةِ؟ قَالُوا بَلَىٰ يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: صَلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ»؛ آیا شما را از چیزی آگاه نکنم که از روزه و نماز و صدقه بهتر است؟ گفتند: بله، ای پیامبر خدا! فرمود: اصلاح ذات‌البین (ورام، ۱۴۱۰: ۳۹/۱).

بنابراین قرآن کریم به افراد اجتماع یا کنشگرانی که در یک حوزه زندگی می‌کنند دستوراتی در جهت حفظ همبستگی اجتماعی داده است. سنخ‌هایی از جمله دوری از منکر و حرکت به سوی معروف، معاونت بر نیکی و تقوا و عدم معاونت بر گناه و دشمنی، همچنین دوری از نزاع و جنگ و برقراری صلح، همه یک مبنا دارد و آن «نظارت اجتماعی» و «عدم بی‌تفاوتی» افراد نسبت به یکدیگر است.

۴-۲-۳. مبانی سنخ‌شناسی سیاسی

«سیاست»^۱ در معنای خاص، علم و هنر راهبری یک دولت، و در معنای عام، هر نوع روش اداره یا بهبود امور شخصی یا اجتماعی است. به بیان دیگر، سیاست، علم قدرت است که توسط دولت به شکلی به کار می‌رود تا نظم اجتماعی را در جهت مصالح عمومی یا طبقه‌ای خاص تأمین کند (آقابخشی و افشاری‌راد، ۱۳۸۳: ۵۲۸). سیاست جزء الزامات هر جامعه‌ای است؛ زیرا در هر جامعه پایگاه‌های اجتماعی مختلفی وجود دارد و هر گروهی به دنبال حاکم شدن منافع خویش است. به همین دلیل رویه‌ای قهرآمیز برای بسیج منابع جهت دستیابی به هدف‌های جمعی اجتناب‌ناپذیر است (روشه، ۱۳۷۶: ۹). با توجه به مباحث یادشده به نظرمی‌رسد سیاست، برقراری «نظم اجتماعی» برای رسیدن همه افراد و گروه‌ها به «مصالح» خویش است.

۴-۲-۳-۱. قدرت

یکی از مبانی سنخ‌شناسی سیاسی «قدرت» است. در قرآن کریم امر مهم سیاست و قدرت برعهده پیامبران قرار داده شده است و در آیه **﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾** (نحل/۳۶) به این مطلب اشاره شده است. حقیقت بعثت پیامبران این است که بندگان را به عبادت خدا و اجتناب از طاغوت دعوت کنند. منظور از «طاغوت» هر متعددی و هر معبودی غیر از خداست (راغب، ۱۴۱۲: ۴۸۹/۲)؛ مانند شیطان، کاهن، بت و همه چیزهایی که به سوی گمراهی دعوت کنند (شوکانی، ۱۴۱۴: ۱۹۳/۳). به نظرمی‌رسد عبادت خداوند در محیطی که طاغوت حضور دارد امکان‌پذیر نیست و در فلسفه بعثت انبیاء اهداف عبادی با اهداف سیاسی پیوندی عمیق دارد.

قرآن کریم جامعه فرعون را یک جامعه طاغوتی می‌داند؛ زیرا فرعون ادعای ربوبیت: **﴿فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى﴾** (نازعات/۲۴) و الوهیت: **﴿وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ**

لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِي ﴿ (قصص / ۳۸) داشت. البته در تفاوت این دو ادعای فرعون باید گفت منظور از «أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى» آن است که شما خدایان و ارباب زیادی دارید، ولی من والامقام ترین آن ها هستم. در حقیقت فرعون در این آیه ادعای خالقیت ندارد و منظور او همان تربیت و اداره امور مردم است (قرشی بنایی، ۱۳۷۵: ۶۲/۱۲)؛ اما در آیه بعد با توجه به اینکه فرعون به حضرت موسی عليه السلام گفته بود: ﴿لَئِن آتَّخَذَتِ الْإِلَهَاءُ غَيْرِي لِأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ﴾ (شعراء / ۲۹)، الوهیت را برای خود اثبات، و از خدای تعالی نفی کرد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۱/۱۶).

به همین دلیل قرآن کریم او را به عنوان طغیانگر معرفی می نماید و اولین اقدام حضرت موسی عليه السلام بعد از برگزیده شدن بر امر رسالت، رفتن به سوی فرعون به دلیل طغیان اوست: ﴿إِذْ هَبْنَا إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى﴾ (طه / ۲۴)؛ زیرا طغیانگران به دلیل حس برتری جویی: ﴿إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ﴾ (قصص / ۴)، مانعی برای رسیدن افراد و گروه ها در جامعه به مصالح خویش هستند. در این مبحث دو سنخ جامعه موسوی و جامعه فرعونی بر مبنای «اجتناب از طاغوت» و «اطاعت از طاغوت» ترسیم شده است.

همچنین قرآن کریم در سیاست خارجی و ارتباط مسلمانان با کافران هم یک مبنای کلی ترسیم می کند و می فرماید: ﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾ (نساء / ۱۴۱). بر این اساس هر طرح، عهدنامه، رفت و آمد و قراردادی که راه نفوذ کافران بر مسلمانان را باز کند، حرام است و مسلمانان باید در تمام جهات سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی از استقلال کامل برخوردار باشند (قرائتی، ۱۳۸۸: ۱۹۱/۲)؛ زیرا خداوند حکمی را که موجب سلطه غیر مسلمان بر مسلمان شود، وضع نکرده است (مغنیه، ۱۳۷۸: ۷۳۳/۲). مبنای سنخ شناسی در این آیه «عدم تسلط» کافران بر مؤمنان و به بیان دیگر، حضور «قدرتمندان» مؤمنان در همه عرصه ها است.

۲-۳-۲-۴. هجرت

یکی دیگر از مبانی سنخ شناسی سیاسی «هجرت» است. قرآن کریم یکی از راه های

حفظ ایمان را «هجرت» می‌داند و در بیان اهمیت و جایگاه والای آن می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا﴾ (نساء/۹۷). در این آیه برخی از افرادی که با ماندن زیر سلطه کافران بر خویش ستم کرده‌اند در برابر فرشتگان قبض روح می‌گویند ما در زمین مستضعف بودیم و در سرزمین خود در برابر اهل شرک ناتوان بودیم؛ زیرا آنان جمعیتی نیرومندتر بودند و ما را از ایمان به خدا بازمی‌داشتند (طبرسی، بی‌تا: ۶/۶). «استضعاف» از ماده «ضعف»، به معنای خلاف نیرو و قدرت است (فیروزآبادی، ۱۴۲۰: ۷۴۷). ضعیف از معنای اصلی این ماده، به گونه‌های مادی و معنوی استعمال شده است (مصطفوی، ۱۳۸۶: ۷/۳۰). در معنای مادی شامل ضعف در «نطفه، جسم، مال» و در معنای معنوی در «عقل، عقیده و ایمان» به کار می‌رود (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۹/۲۰۴). بنابراین منظور از استضعاف در این آیه، استضعاف معنوی و ضعف در عقیده و ایمان است. در این آیه افراد به دو سنخ مستضعف و مهاجر بر مبنای «اراده تغییر» تقسیم شده‌اند.

به نظر می‌رسد «هجرت» علاوه بر ابعاد فردی، ابعاد سیاسی هم دارد؛ زیرا افراد مستضعف قادر به تشخیص راه درست نیستند و به همین دلیل از روی غفلت، پیرو باطل می‌شوند و در حقیقت حاکمیت باطل را به صورت قهری و ناآگاهانه انتخاب می‌کنند؛ زیرا ماندن در دیار کفر «تأیید»، و هجرت «تضعیف» حاکمیت جامعه است. بدین سان قرآن کریم در سنخ‌شناسی سیاسی، دو چشم‌انداز را ترسیم می‌کند: یا در اجتماع خویش بمانید و با «قدرت» با طاغوت مبارزه کنید و یا «هجرت» را برگزینید.

۴-۲-۴. مبانی سنخ‌شناسی اقتصادی

نظام اقتصادی اسلام، مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری و روابط اقتصادی در سه حوزه تولید، توزیع و مصرف است (میرمعزی، ۱۳۸۱: ۲۱). از میان سه محور اقتصاد، به نظر می‌رسد قرآن کریم بر دو محور توزیع و مصرف تأکید بیشتری دارد. به همین دلیل در این

پژوهش، مباحث اقتصادی با تمرکز بر این دو محور تنظیم شده است.

۴-۲-۴-۱. توزیع

«توزیع» یکی از محورهای اقتصاد است که بر کیفیت رسیدن کالا به دست مصرف‌کننده دلالت دارد. اهمیت مبادلات اقتصادی تا آنجاست که خداوند در فلسفه بعثت پیامبران، «میزان» را که وسیله‌ای اقتصادی است و در توزیع کالا از آن استفاده می‌شود، هم‌ردیف کتاب قرار داده، می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ» (حدید/۲۵)؛ چون قوام زندگی بشر به اجتماع و قوام اجتماع به معاملات و قوام معاملات در مورد کالاهایی که باید وزن شود، به این است که نسبت میان آن‌ها محفوظ شود و این کار را ترازو انجام می‌دهد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۹/۳۰۱).

قرآن کریم اهمیت رعایت پیمان‌ها و وزن را در آموزه‌های حضرت شعیب ع تبیین می‌کند و می‌فرماید: «أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ * وَزِنُوا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ» (شعراء/ ۱۸۱ و ۱۸۲). در حقیقت التزام به دین و اطاعت خداوند، الگوی معیّنی از تعامل با اموال را اقتضا می‌کند (قحف و میرمعزی، ۱۳۸۴: ۱۵۹). «قسطاس مستقیم» به معنای ترازوی عدل است که هرگز در وزن خیانت نمی‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۳/۱۲۵). «کیل» هم به معنای مقیاسی است که متاع را از نظر حجم با آن می‌سنجند و وفا کردن به کیل به این معناست که آن را کم نگیرند (همان: ۴۴۱/۱۵). اهمیت «وفای کیل» تا آنجاست که خداوند «مطفّین» را از آن رو سرزنش می‌کند که وفای به کیل را فقط در مورد خودشان رعایت می‌کنند و خطاب به آنان می‌فرماید: «وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ * الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ * وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ» (مطفّین/ ۱-۳). وقتی از مردم، کالایی می‌گیرند حق خود را به تمام و کمال دریافت می‌کنند، ولی وقتی می‌خواهند کالایی به مردم بدهند به کیل یا وزن ناقص می‌دهند و مردم را به خسران و ضرر می‌اندازند. بنابراین قرآن کریم در مبحث توزیع، بردو سنخ وفای کیل و استقامت ترازو بر مبنای «رعایت انصاف» تأکید کرده است.

۴-۲-۴-۲. مصرف

یکی دیگر از محورهای اقتصاد، چگونگی مصرف کالا از سوی افراد جامعه است. در حقیقت قرآن کریم مقوله مصرف را گونه‌شناسی و به بیان دقیق تر آسیب‌شناسی کرده است و از دو گروه مختلف نام می‌برد. گروهی که مسیر افراط را در پیش گرفته، «اسراف و تبذیر» می‌کنند و گروهی که تفریط را انتخاب کرده، «بخل» می‌ورزند. این دو گروه در دو طرف جاده «اعتدال» ایستاده‌اند و قرآن کریم خطاب‌های شدید اللحنی درباره آن‌ها دارد. قرآن کریم در بیان نهی از اسراف و عتاب مسرفان می‌فرماید: «كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (اعراف/۳۱). «اسراف» ضدّ میانه‌روی و تجاوز از حدّ و اعتدال است (قرشی بنایی، ۱۴۱۲: ۲۵۷/۳). «اسراف» نقیض «الاقتصاد» است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۲۴۴/۷). همچنین قرآن کریم در مذمت مبذرین می‌فرماید: «وَأْتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَ الْمَسْكِينِ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا» (اسراء/۲۶) «إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَ كَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا» (اسراء/۲۷). «تبذیر» هم به معنای پاشیدن تخم است و به اسراف‌کار از آن رو مبذّر می‌گویند که مال را می‌پاشد و متفرّق می‌کند (قرشی بنایی، ۱۴۱۲: ۱۷۳/۱؛ راغب، ۱۴۱۲: ۲۵۱/۱).

سنخ‌گیری که قرآن کریم در مقوله مصرف از آنان نام می‌برد، «بخل» است که خلاف گرم است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴۷/۱۱) و در حقیقت امساک و نگهداشتن و حبس کردن اموالی است که شایسته نگه داشته شدن نیست (راغب، ۱۴۱۲: ۲۴۳/۱). قرآن کریم افرادی را که بخل می‌ورزند هم‌ردیف کافران قرار می‌دهد و می‌فرماید: «الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَ يَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَ يَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا» (نساء/۳۷). شایان ذکر است که قرآن کریم با تأکید بر راه درست مصرف اموال می‌فرماید: «وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَ لَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا» (اسراء/۲۹). «دست به گردن بستن» کنایه از خرج نکردن و خسیس بودن و خودداری از بخشش است و در مقابل «بسط‌ید» است که کنایه از بذل و بخشش می‌باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۱۴/۱۳).

بخشش پسندیده، حد وسط میان افراط و تفریط است. انفاق و بذل حقیقتی است که یک طرف آن بخل بسیار (شح) است و آن مفسده‌ای برای فقرا و صاحب مال است و مردم از آن کراهت دارند. جانب دیگر اسراف و تبذیر است و در آن مفسدی برای صاحب مال و خانواده اش است؛ زیرا مالش از جایی که مستحق آن است به سوی مصارف ناشایست می‌رود. حد وسط، قرار دادن مال در جایگاهش است (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۶۸/۱۴). شایان ذکر است که اعتدال، سیاست اسلام در امور مالی و اجتماعی و دینی است (زحیلی، ۱۴۱۱: ۵۸/۱۵)؛ چنان‌که قرآن کریم حتی در انفاق هم جانب اعتدال را نگه داشته، می‌فرماید: «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» (فرقان/۶۷). بنابراین مبنای مصرف در سنخ‌شناسی اقتصادی، «رعایت اعتدال» است.

۴-۲-۵. مبانی سنخ‌شناسی طبیعت‌گرایانه

آیات مربوط به «طبیعت» در قرآن کریم دامنه گسترده‌ای دارد و امور مربوط به طبیعت با نوع‌بندی‌های بسیاری همراه شده است. به نظر می‌رسد آیات مربوط به طبیعت بر اساس دو مبنا تقسیم شده است که عبارت‌اند از:

۴-۲-۵-۱. مبانی کارکردی

یکی از مبانی سنخ‌شناسی طبیعت‌گرایانه، نوع‌بندی مظاهر طبیعت بر مبنای کارکرد یا موارد استفاده آن‌هاست، به عنوان نمونه در قرآن کریم اوقات زمانی به دو نوع شب و روز تقسیم شده است: «وَمِنْ آيَاتِهِ مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَابْتِغَاؤُكُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُسْمِعُونَ» (روم/۲۳). خداوند بر اساس حکمت خویش زندگی انسان را به دو قسمت آسایش و تلاش تقسیم کرده است (مغویه، ۱۳۷۸: ۶/۲۲۸). مبنای این تقسیم‌بندی کارکرد شب و روز است که استراحت و جستجوی فضل است. مرکب‌ها هم به دو نوع «فُلک» و «أنعام» تقسیم شده است: «جَعَلَ لَكُم مِّنَ الْفُلْكِ وَالْأَنْعَامِ مَا تَرْكَبُونَ» (زخرف/۱۲). مبنای این تقسیم‌بندی استفاده آن‌ها در دریا و خشکی است. به نظر می‌رسد در این نوع سنخ‌شناسی علوم مختلف طبیعی تبیین شده است. به بیان دیگر، این آیات

نشان دهنده بُعد علمی قرآن کریم است و در «تفسیر علمی» قرآن کریم به طور دقیق بررسی می‌شوند.

۴-۲-۵-۲. مبانی تربیتی و هدایت‌گرایانه

«تمثیل» معمولاً برای تیپ‌سازی به کار می‌رود (شمیسا، ۱۳۷۵: ۲۰۵). از دیگر مبانی سنخ‌شناسی طبیعت‌گرایانه، به کار گرفتن مظاهر طبیعت در قالب «مثل» و آرایه‌های بلاغی، برای تربیت و هدایت انسان‌هاست. قرآن کریم در بیان «انفاق ریایی» و «انفاق در راه خدا» می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَىٰ كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَىٰ شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ﴾ (بقره/۲۶۴) «وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ اتِّبَاعًا مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَنْبِيئًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلَّ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ (بقره/۲۶۵). در این آیات غبار نشسته بر سنگ صاف و ناپایدار در برابر باران و غیرقابل استفاده برای کشت، تمثیلی از انفاق ریایی و صرف مال در راه غیرخدا، و بوستانی که در نتیجه باران تند، میوه‌اش دوچندان شود، تمثیلی برای کسانی است که اموالشان را برای خشنودی خدا انفاق می‌کنند. در این آیه دو سنخ انفاق ریایی و انفاق خدایی بر مبنای «تربیت دینی انسان‌ها» ترسیم شده است.

همچنین قرآن کریم پنج خصلت زندگی دنیا را لهو، لعب، زینت، تفاخر و تکاثر می‌داند و در بیان فریبندگی آن می‌فرماید: ﴿اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُوَ زِينَةٌ وَ تَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ مَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْعُرُورِ﴾ (حدید/۲۰). مثل زندگی دنیا در بهجت و زوال، مانند بارانی است که به موقع می‌بارد و باعث رویدن گیاهان و زراعت‌ها می‌شود و زراعت‌کاران از رویدن آن‌ها خوشحال می‌شوند، سپس رفته‌رفته رو به زردی بگذارد و سپس گیاهی خشکیده و

شکسته شود و بادها از هرسوبه سوی دیگرش بیرند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۹/۲۹۰). در این آیه زندگی دنیا در دو حالت طراوت و زوال برمبنای «هدایت انسان‌ها» به تصویر کشیده شده است.

۵. نتیجه

قرآن کریم برای معرفت‌افزایی مخاطبان، بسیاری از مباحث مورد نظر خویش را از طریق طبقه‌بندی و گونه‌شناسی بیان کرده است. همچنین در تبیین سنخ‌ها از لحاظ شکلی و زبان‌شناختی از ادات تنويع و تفصیل و واژگان اسم جمع بهره گرفته است. از لحاظ محتوایی هم گونه‌ها شامل موضوعات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و طبیعت‌گرایانه است.

مبنای سنخ‌شناسی فرهنگی، جایگزین شدن ارادهٔ مطلق خداوند به جای تقلید از آباء و اجداد و تحسین ارزش‌های اخلاقی و تقبیح ضد ارزش‌هاست. در سنخ‌شناسی اجتماعی، انسان‌ها در قبال یکدیگر احساس مسئولیت می‌کنند و نظارت اجتماعی جایگزین بی‌تفاوتی می‌شود. به بیان دیگر یک شبکهٔ ارتباطی قوی میان افراد جامعه به وجود می‌آید و موجبات همبستگی اجتماعی فراهم می‌شود. در سنخ‌شناسی سیاسی قرآن کریم دو چشم‌انداز قدرت و هجرت را براساس شرایط جامعه ترسیم می‌کند. سنخ‌های اقتصادی هم برمبنای «انصاف در توزیع» و «اعتدال در مصرف» تبیین شده است. آیات مربوط به طبیعت هم بر دو مبنای کارکردی و تربیتی تقسیم شده است. در قرآن کریم با مطرح شدن هر سنخی، ویژگی‌های آن هم بیان می‌شود و چون اغلب، سنخ‌ها بلافاصله بعد از هم ذکر می‌شوند بدین طریق امکان مقایسه فراهم می‌گردد. از سوی دیگر سنخ‌ها، همراه با استدلال است و بدین صورت یک «تقسیم‌بندی اصولی» را در معرض دید مخاطبان خویش قرار داده است.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، معالم العلماء، چاپخانه حیدریه، نجف، ۱۳۸۰ق.
۴. ابن فارس، ابوالحسین احمد، معجم مقاییس اللغة، بی‌نا، بی‌جا، ۱۴۰۴ق.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دار صادر، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۶. ابن عاشور، محمد طاهر، تفسیر التحریر و التنویر، مؤسسة التاریخ العربی، بیروت، ۱۴۲۰ق.
۷. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، بیروت، ۱۴۱۹ق.
۸. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روح الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مشهد، ۱۴۰۸ق.
۹. انصاری، ابن هشام، مغنی اللیب، مکتبه سیدالشهداء، قم، ۱۳۹۲ق.
۱۰. ایزوتسو، توشیهیکو، مفاهیم اخلاقی- دینی در قرآن مجید، ترجمه فریدون بدره‌ای، انتشارات فرزاد روز، تهران، ۱۳۹۴ش.
۱۱. آخوندی، محمد باقر، «سنخ‌شناسی نفاق در قرآن کریم (بررسی جامعه‌شناختی پدیده نفاق)»، نشریه آموزه‌های قرآنی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۲۰، ۱۳۹۳ش، ص ۵۳-۷۶.
۱۲. آقابخشی، علی و مینوافشاری‌راد، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، انتشارات چاپار، تهران، ۱۳۸۳ش.
۱۳. آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بی‌جا، ۱۲۷۰.
۱۴. آوتویت، ویلیام و تام باتامور، فرهنگ علوم اجتماعی قرن بیستم، ترجمه حسن چاوشیان، نشر نی، تهران، ۱۳۹۲ش.
۱۵. بختیاری، شهلا، فاطمه جمیلی و قاسم بیت اصغری، «سنخ‌شناسی رفتار سیاسی مخالفان امام علی (علیه السلام) در دوره خلافت»، نشریه مطالعات تاریخ فرهنگی، شماره ۸، ۱۳۹۰ش، ص ۱-۲۶.
۱۶. ثعلبی، احمد بن محمد، الكشف والبیان، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۲ق.
۱۷. جعفریان، رسول، تاریخ سیاسی اسلام، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۳ش.
۱۸. حسن، عباس، النحو الوافی، دار المعارف، مصر، ۱۹۶۶م.

۱۹. خسروانی، علیرضا، *تفسیر خسروی*، کتاب فروشی اسلامیة، تهران، ۱۳۹۰ ق.
۲۰. دورکیم، امیل، *قواعد روش جامعه‌شناسی*، ترجمه علی کاردان، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۳ ش.
۲۱. دهخدا، علی اکبر، *لغت‌نامه دهخدا*، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۷ ش.
۲۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، دارالعلم، بیروت، ۱۴۱۲ ق.
۲۳. رضایی اصفهانی، محمد علی، «تأثیرپذیری قرآن از فرهنگ زمانه»، *مجله معرفت*، شماره ۲۶، ۱۳۷۷ ش، ص ۴۴-۵۳.
۲۴. رفیع فر، جلال‌الدین، «آنتروپی اجتماعی و نقش آن در توسعه فرهنگی»، *نامه پژوهش فرهنگی*، پیش شماره ۱، ۱۳۷۵ ش، ص ۵۷-۶۸.
۲۵. ریشه، گی، *جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تبیان، تهران، ۱۳۷۶ ش.
۲۶. زحیلی، وهبه، *التفسیر المنیر فی العقیة و الشریعة و المنهج*، دارالفکر، دمشق، ۱۴۱۱ ق.
۲۷. زرکشی، محمد بن عبدالله، *البرهان فی علوم القرآن*، دارالمعرفة، بیروت، ۱۴۱۰ ق.
۲۸. ساروخانی، باقر، *درآمدی بر دایرة المعارف علوم اجتماعی*، کیهان، تهران، ۱۳۷۵ ش.
۲۹. _____، *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۸۳ ش.
۳۰. شایان‌مهر، علیرضا، *دایرة المعارف تطبیقی علوم اجتماعی*، کیهان، تهران، ۱۳۷۹ ش.
۳۱. شمیسا، سیروس، *بیان*، فردوس، تهران، ۱۳۷۵ ش.
۳۲. شوکانی، محمد، *فتح‌التدیر*، دار ابن کثیر، دمشق، ۱۴۱۴ ق.
۳۳. طباطبایی، محمد حسین، *تفسیر المیزان*، ترجمه محمد باقر موسوی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۴ ش.
۳۴. طبرسی، فضل بن حسن، *تفسیر مجمع‌البیان*، ترجمه حسین نوری همدانی، بی‌نا، تهران، بی‌تا.
۳۵. فخررازی، محمد بن عمر، *التفسیر الکبیر (مفاتیح‌الغیب)*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۰ ق.
۳۶. فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب‌العین*، انتشارات هجرت، قم، ۱۴۰۹ ق.
۳۷. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، *القاموس‌المحیط*، دارالفکر، ۱۴۲۰ ق.
۳۸. قحف، منذرو سیدحسین میرمعزی، «دین و اقتصاد، نظام اقتصادی اسلام و علم تحلیل اقتصاد اسلامی»، *نشریه اقتصاد اسلامی*، شماره ۱۸، ۱۳۸۴ ش، ص ۱۵۷-۱۷۸.
۳۹. قرائتی، محسن، *تفسیر نور*، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران، ۱۳۸۸ ش.

۴۰. قرشی بنایی، علی اکبر، *قاموس قرآن*، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۱۲ق.
۴۱. _____، *تفسیر احسن الحدیث*، بنیاد بعثت، تهران، ۱۳۷۵ش.
۴۲. قطب، سیّد، *فی ظلال القرآن*، دار الشروق، بیروت، ۱۴۲۵ق.
۴۳. کلاهی، محمد رضا، «دینداری و جهانی شدن»، *فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، سال هفتم، شماره ۲۴، ۱۳۹۰ش، ص ۶۵-۹۳.
۴۴. گولد، جولوس و ویلیام ل کولب، *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه باقر پرهام، انتشارات مازیار، تهران، ۱۳۸۴ش.
۴۵. گیدنز، آنتونی، *گزیده جامعه‌شناسی - ویژه دوره کارشناسی*، ترجمه حسن چاوشیان، نشر نی، تهران، ۱۳۹۰ش.
۴۶. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۸۶ش.
۴۷. مطهری، مرتضی، *مسئله شناخت*، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۷۸ش.
۴۸. مغنیه، محمد جواد، *تفسیر کاشف*، ترجمه موسی دانش، بوستان کتاب، قم، ۱۳۷۸ش.
۴۹. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۱ش.
۵۰. میرمعزی، سید حسین، *ساختار کلان نظام اقتصادی اسلام*، انتشارات دانش و اندیشه معاصر، تهران، ۱۳۸۱ش.
۵۱. میبدی، احمد بن محمد، *کشف الاسرار و عدة الابرار (معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری)*، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۱ش.
۵۲. ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی، *مجموعه ورام*، مکتبه فقیه، قم، ۱۴۱۰ق.